



واکاوی نقش خدیجه (س) در تسکین آلام پیامبر (ص) در مقابل آزار دشمنان با تکیه بر آرای اهل سنت

فاطمه افراسیابی^۱

دکتر سیدمحمد رضا حسینی نیا^۲

مهدی اکبرنژاد^۳

چکیده

در تاریخ اسلام، بر نقش سرنوشت ساز حضرت خدیجه (س) در تسکین آلام پیامبر (ص) برای پیشبرد اهداف اسلام و قرآن تأکید شده است. تاریخ بیانگر حمایت بی دریغ و شجاعانه ایشان از پیامبر (ص) در مقابل آزار دشمنان و انبوه مشکلات است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی، استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری، استناد به آیات قرآن و روایات، دلایل عقلی و شواهد تاریخی در صدد واکاوی نقش این بانوی بزرگوار در زدودن غم و اندوه پیامبر (ص) در مقابل آزار دشمنان با تکیه بر آرای اهل سنت است و به این نتایج دست یافته است: اولاً خدیجه (س) در تمام طول زندگی، به‌عنوان مشاوره‌ی خردمند، همراه و همدل پیامبر (ص) بود ثانیاً: ایشان با گفتار (تصدیق و تأیید)، کردار (دعوت به آرامش، صبر و پایداری، ایمان به غیب) و اموال خود، از رسول خدا (ص) حمایت می‌کرد ثالثاً: با همدلی، غمخواری و حمایت همه‌جانبه از ایشان، علاوه بر دلگرمی و ایجاد امید، آلام حضرت را در مقابل آزار دشمنان و تهدید کافران، تسکین می‌داد.

واژگان کلیدی: خدیجه (س)، محمد (ص)، تسلی، تسکین، ابولهب، ابو جهل.

۱. فاطمه افراسیابی، دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام، f.afraziaby1356@gmail.com

۲. دکتر سیدمحمد رضا حسینی نیا، دانشیار دانشگاه ایلام، استاد راهنما، m.hoseinia@ilam.ac.ir

۳. دکتر مهدی اکبرنژاد، استاد دانشگاه ایلام، استاد راهنما، m.akbarnezhad@ilam.ac.ir

مقدمه

هنگامی که پیامبر اکرم (ص) به رسالت و نبوت مبعوث شد، در ابتدا کار دعوت مردم به اسلام را به شکل پنهانی در مدت سه سال آغاز کرد، اما بعد از گذشت مدتی، تعدادی از افراد مکه مخصوصاً جوانان، خبر نبوت او را شنیده و دعوتش را که به تدریج در مکه شایع شده بود، اجابت کردند و تعداد مسلمانان افزایش یافت. در این دوره بزرگان قریش انکار و مخالفت شدیدی از خود نشان نمی دادند، تا زمانی که پیامبر خدا (ص) از خدایانشان عیبجویی کرد (آیه اول سوره توبه) و به آنان خبر داد که پدرانیشان بر کفر و گمراهی بوده و در آتش هستند! (آیه ۱۷۰ بقره و ۲۲-۲۳ زخرف) در این زمان آنان بر پیامبر (ص) غضب کرده و با او دشمنی نموده و به آزارش پرداختند. خود آن حضرت در این باره فرمودند: «ما اوذی نبی مثل ما اوذیت» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۹، ص ۵۶)؛ هیچ پیامبری مانند من آزار ندید» برخی از دلایل آزار رسانی مشرکان به پیامبر (ص) عبارت بودند از: شگفتی از توحید (آیه ۵ سوره صاد)، ترس از دست دادن سروری عرب، ترس از دست دادن آرامش در مکه، تصور نادرست از نبوت، جبر گرایی مشرکین (آیه ۱۴۸ سوره انعام، ۳۵ سوره نحل، ۹۳ سوره اِسرائ)، در خواست کارهای خارق العاده و سرکشی در برابر حق بود.

در مجموع مشرکان فشارهای زیادی را به زندگی پیامبر اسلام (ص) و تازه مسلمانان وارد نمودند. حضرت خدیجه (س) در این وضعیت دشوار، کنار پیامبر اکرم (ص) صبوری و همراهی می نمود و سعی می کرد که پیامبر (ص) را در مقابل فشارهای وارده، یاری نماید تا غم و اندوه آلام را از ایشان بزداید و موجب دلگرمی و آرامش ایشان شود. بنابراین حضرت خدیجه (س) بزرگ ترین حامی رسول خدا (ص) به ویژه بعد از بعثت آن حضرت بود و در حساس ترین شرایط زندگی پیامبر (ص) همواره ایشان را به خوبی می فهمید و با درایت و عطوفت خود، دردها و رنجها و آلام پیامبر (ص) را تسکین می داد. در این پژوهش سعی بر این است که با تکیه بر آرای اهل سنت نقش آرامش گری و تسکین دهی حضرت خدیجه (س) را واکاوی کند تا مشخص شود که ایشان، چگونه و با استفاده از چه روشهایی آلام پیامبر (ص) در مقابل آزار دشمنان را تسکین داده است؟

پیشینه

۱. مقاله «بازخوانی شخصیت حضرت خدیجه (س) در منابع اهل سنت» از معصومه بهرامی، مجله مطالعات قرآنی نامه جامعه، تابستان ۹۸، شماره ۱۳۰؛ که در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و دور از هر گونه تعصب با استفاده از منابع اهل سنت، زوایای خاص زندگی این بانو را واکاوی کرده تا از جایگاه حقیقی و کمالات آن حضرت به عنوان شخصیتی تأثیرگذار رفع مهجوریت شود، چنان که برخی

مذاهب و فرق مختلف اسلامی نتوانسته اند از ذکر فضایل ایشان چشم پوشی کنند. البته گاهی برخی کم لطفی‌ها در حق ایشان صورت گرفته که ناشی از نگرش مغرضانه به ایشان یا به دلیل بی توجهی و یا بالابردن جایگاه دیگر زنان پیامبر (ص) است.

۲. مقاله «نقش حضرت خدیجه (س) در پیشرفت اسلام» از رمضان محمدی، مجله ره توشه، بهار و تابستان ۱۳۹۳؛ که به بررسی شخصیت حضرت خدیجه به عنوان یکی از زنان مشهور تاریخ اسلام پرداخته و با اشاره به فداکاریهای و فضایل ثبت شده ایشان، پندهای عبرت آموزی را در مقابل حقیقت جویان ترسیم کرده است، که هزینه شدن اموال فراوان ایشان در راه اسلام مشهور است

۳. مقاله «نقش اجتماعی و اقتصادی حضرت خدیجه (س) در گسترش اسلام» از سیدصاحب برزین و حسین هژیریان، مجله تاریخ روایی، بهار ۱۳۹۶، سال دوم، شماره ۴؛ که در این پژوهش نقش اقتصادی حضرت خدیجه (س) را که در دوران بعثت با حمایت‌های مادی و معنوی از پیامبر (ص) نقش مهمی در تثبیت و گسترش اسلام ایفا نمود و او را به دلیل وجود ارزشها و کمالات انسانی فراوان به عنوان یک الگوی نمونه برای زنان و مردان جامعه معرفی می‌کند. ایشان تمام ثروت، امکانات اقتصادی و هستی خویش را در راه رضای حق بخشید و با حمایت‌های روحی، روانی و اجتماعی در ترویج اسلام و پیشبرد اهداف آن نقش بسزایی داشت و با این کار نام خود را به عنوان الگوی واقعی و راستین تاریخ آفرینش ثبت نمود.

همه پژوهش‌های انجام شده به صورت کلی است و در زمینه بررسی شخصیت حضرت خدیجه (س) یا نقش اجتماعی و اقتصادی ایشان در گسترش اسلام است، اما در این پژوهش به صورت خیلی جزئی به نقش ایشان در تسکین آلام پیامبر (ص) در مقابل آزار مشرکان در کلام اهل سنت پرداخته می‌شود.

الف) مفاهیم

تسکین: از ماده «سکن» و در لغت به معنای: از بین رفتن حرکت (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۱۲) آرام گرفتن بعد از حرکت (قرشی، ۱۳۰۷، ج ۳، ص ۲۸۳) ثبوت شیء بعد از حرکت (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۷) ضد حرکت است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۱۱) و در اصطلاح عبارت است از: ثبات، استقرار و آرامش در مقابل حرکت و تزلزل است (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۵، ص ۱۶۵) ایستادن و ثابت شدن شیء بعد از حرکت است و در ساکت شدن و منزل گزیدن نیز به کار می‌رود (خسروی حسینی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۳۵) در آیات قرآن به معنای آرامش یافتن و هر چیزی که موجب آرامش است (همان)

تصدیق: از ماده (صدق) و در لغت به معنای: راست گفتن (قرشی، همان، ج ۴، ص ۱۱۷) خالص، سالم و درست (بستانی، ۱۳۷۶، ص ۸۴) نقیض کذب است (فراهیدی، همان، ج ۵، ص ۵۶) (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۳۵) (ابن منظور، همان، ج ۱۰، ص ۱۹۴) صدق در اصطلاح به معنای مطابقت قول با نیت و ضمیر و یا چیزی است که از آن خبر داده شده و هر دو با هم است؛ صدق نیت و صدق مورد خبر (خسروی حسینی، همان، ج ۲، ص ۳۸۶) تصدیق نیز در هر چیزی که در آن تحقیق و پژوهش شده باشد به کار می‌رود (همان، ص ۳۸۷)

صبر: در لغت به معنای: امساک در سختی (راغب اصفهانی، همان، ص ۴۷۴) حبس، امساک (قرشی، همان، ج ۲، ص ۱۰۶) حبس نفس از بی تابی (جوهری فارابی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۰۶) و نقیض جزع می‌باشد (فراهیدی، همان، ج ۷، ص ۱۱۵) در اصطلاح: خویشنداری و حبس نفس است بر چیزی که شرع و عقل تقاضا می‌کند یا از چیزی که عقل و شرع از آن نهی می‌کند (قرشی، همان) نگهداشتن نفس از چیزی و رغبت نداشتن به آن، نسبت به غیر از آن (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۵۷) صبر و شکیبایی لفظ عامی است و چه بسا بر حسب اختلاف مورد، اسامی مختلفی داشته باشد: صبر در برابر مصیبت که نقیض آن جزع و بی تابی است، صبر در برابر جنگ که نقیض آن ترس و جبن است، صبر در کاری ملال آور که نقیض آن ظرفیت داشتن است و صبر در خودداری از کلام که نقیض آن فاش کردن است (خسروی حسینی، همان، ج ۲، ص ۳۷۲)

ب) دشمنان پیامبر (ص) و آزارهای آنان

دشمنان پیامبر (ص) برای خدشه دار کردن شخصیت برجسته ایشان، متوسل به حربه‌های احمقانه ای می‌شدند. گاه با تهمت زدن، ایشان را مورد هتک حرمت قرار می‌دادند، مانند: دروغ‌گویی و جنون، که قرآن در آیات زیادی مانند: (۳۶ صافات، ۱۴ ادخان، ۲۹ طور، ۴ صاد) به این تهمت‌ها اشاره می‌کند و ساحت نورانی و مقدس رسول خدا (ص) را از آنها منزه می‌داند. گاهی نیز ایشان را با زخم زبان، توهین، تحقیر و یا اذیت و آزارهای جسمی متحمل سختی‌هایی می‌کردند. البته هر چند این ادعاها بسیار سخیف و باور نکردنی بود، اما متأسفانه بر عده ای اثر می‌گذاشت؛ زیرا اصولاً مردم با علم به اینکه چیزی شایعه است و واقعیت ندارد، باز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. در تاریخ شواهدی یافت می‌شود که این شایعات در مردم تأثیر داشته است.

بسیاری از سرکردگان شرک نظیر عقبه بن ابی معیط، ابو جهل، ابولهب، ولید بن مغیره، عاص بن وائل و دیگران با مکتب پیامبر (ص) جنگیدند و او را آزار دادند (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۱۹۶) محمد عبده از علمای اهل سنت معتقد است: چون ابو لهب از تمامی دشمنان دعوت پیامبر (ص) مشهورتر و بزرگ‌ترین نماینده آنان بود و

پیامبر(ص) از حرکات او سخت متأثر شده بود، به همین دلیل، خداوند تنها از او در قرآن نام برده است. ابو لهب همان عبد العزی بن عبد المطلب بن هشام و عموی پیامبر(ص) است، که دشمن ترین مردم نسبت به او می باشد (همان) بنابراین سوره ای در قرآن در زمینه دشمنی و مخالفت های ابولهب و آزارهای همسرش نسبت به پیامبر(ص) نازل شده است.

در زمینه شأن نزول این سوره سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده که روزی پیغمبر(ص) از کوه صفا بالا رفت و فرمود یا صباحاه، پس قریش به آن حضرت روی آورده و گفتند تو را چه می شود، فرمود: «اگر به شما خبر دهم که دشمنی صبح و یا شام به شما حمله می کند آیا مرا تصدیق می کنید؟» گفتند: آری، فرمود: «بدانید که من شما را از عذاب سختی که در پیش دارید می ترسانم»، پس ابو لهب گفت: «تبا لک؛ هلاکت باد بر تو، برای این تمام ما را فرا خواندی»، پس خداوند سوره مسد را نازل فرمود (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰، ص ۲۱۸) این سوره در حقیقت پاسخی است به سخنان زشت ابو لهب عموی پیامبر اکرم(ص) که از دشمنان سرسخت اسلام بود و به هنگام شنیدن دعوت آشکار و عمومی پیامبر(ص) و انذار او نسبت به عذاب الهی، خواستار زیان و هلاکت ایشان شد.

نقل شده است که ابولهب به دنبال رسول خدا(ص) می رفت و هر گاه ایشان تبلیغی می نمود، وی به مردم می گفت: «یا ایها الناس لا تطیعوه فأنه کذاب (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۲۰۲)؛ ای مردم او را اطاعت نکنید، او کذاب است» و یا نقل شده است که: «و ذکرُوا أنه إذا قدم علی النبی وقد لیعلموا علمه انطلقوا بأبی لهب إلیهم و قالوا له اخبر عن اخیک فکان یطعن فی النبی(ص) و قال الباطل و قال إلا لم نزل نعالجه من الجنون فیرجع القوم و لا یلقونه (مجلسی، همان)؛ وقتی گروهی برای تحقیق از حال پیامبر(ص) و چگونگی ادعا و علم او آمده بودند، که آن حضرت را ببینند، ابولهب میان آنان رفت، از او در مورد پیامبر(ص) پرسیدند و گفتند: ما را از حالات او آگاه ساز! اما او در جواب، پیامبر(ص) را مورد طعن قرار داد و گفت: که ادعا و سخنان او باطل است و دیوانه شده و ما تاکنون نتوانسته ایم، او را معالجه و از جنون و دیوانگی رهایش کنیم! پس آن گروه برگشتند و پیامبر(ص) را ملاقات نکردند»

در تاریخ یعقوبی آمده است که: «وکان ابولهب أشد أذی له، و روی بعضهم أن رسول الله قام بسوق عکاظ... فقال: «یا ایها الناس قولوا لا إله إلا الله تفلحوا و تنجوا... و هو یقول: یا ایها الناس أن هذا ابن أخی و هو کذاب فاحذروه (یعقوبی، ۲۸۴، ج ۲، ص ۲۴)؛ رسول خدا(ص) برای تبلیغ به بازار عکاظ می رفت و فرمود: ای مردم! بگویید، «لا

إله إلا الله» تا رستگار شوید و نجات یابید! ابولهب، به دنبال آن حضرت راه می افتاد و فریاد می زد: مردم! این برادرزاده من، دروغگوست، از او بپرهیزید!»

ابن شهر آشوب به نقل از طارق محاربی می گوید: «پیامبر را دیدیم که در میان مردم به صدای بلند می فرمود: «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا» و مردم را به یگانه پرستی فرا می خواند. در این زمان ابولهب قدم به قدم وی را دنبال می کرد و به طرف آن حضرت، سنگ می انداخت؛ به حدی که پای آن گرامی، خونین بود! پیامبر (ص) همچنان مردم را ارشاد می فرمود و ابولهب، فریاد می زد: مردم! این مرد دروغگوست؛ به حرف های او گوش ندهید» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۱)

از این روایات به روشنی فهمیده می شود که ابولهب در بسیاری از مواقع همچون سایه به دنبال رسول خدا (ص) بود و از هیچ کارشکنی نسبت به ایشان فروگذار نمی کرد، از طرفی زبانی زشت و زننده داشت و تعبیرات رکیکی را بر زبان جاری می کرد و شاید از این نظر سرآمد تمام دشمنان پیامبر اسلام (ص) محسوب می شد، لذا به همین جهت خداوند متعال با صراحت تمام، خشونت او و دنائت همسرش را به باد انتقاد می گیرد.

همچنین از ابن مسعود روایت شده است که: «روزی رسول خدا (ص) کنار بیت (کعبه) نماز می خواند؛ ابوجهل و اصحابش هم نشسته بودند. ابوجهل به اصحاب خود گفت: «کیست که برود أمعاء و أحشاء شتری که دیشب در قبیله فلان کشته شده را بگیرد و بیاورد و هنگام سجده بر شانه های حضرت محمد (ص) بیاندازد؟ در این حال شقی ترین مردم را فرستادند؛ او رفت و شکمه را آورد. وقتی حضرت به سجده رفت، آن دو را به دو کتف وی انداخت و مردم می خندیدند و من هم ایستاده بودم و می نگریستم و اگر قدرت داشتم، آن را از پشت رسول خدا (ص) دور می کردم» (فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۱۲۹)

غالباً اشخاص عادی وقتی چنین اتهامات و آزارهایی را در مورد خود می بینند، سعی می کنند در این شرایط خود را از چشم مردم دور نگهدارند، اما پیامبر (ص) که عمری با صداقت و صفات حمیده در میان مردم زندگی کرده بود، بسیار قوی تر از آن بود که با این اتهامات و آزارها، از میدان بیرون رفته و صحنه را برای دشمنان اسلام و قرآن خالی کند. بنابراین ایشان با تکیه بر خداوند و نیروی وحی الهی و داشتن همسری پشتیبان، کوچکترین وضعی از خود نشان نداد.

ج) نقش خدیجه (س) در تسکین آلام پیامبر (ص) در مقابل آزار دشمنان

حضرت خدیجه (س) به عنوان همدم و یار پیامبر (ص)، نقشی اساسی در پیشبرد و پیشرفت اهداف مقدس ایشان داشت، لذا در برطرف کردن غم و اندوه و ناراحتی و فشار آزار و اذیت‌های روحی و جسمانی پیامبر (ص) بسیار تلاش می‌کرد. این بانوی بزرگوار با آرامش بخشیدن به پیامبر (ص) و تقویت روحیه ایشان برای انجام اهدافی مقدس، در حقیقت بزرگترین خدمت را به «اسلام» و «قرآن» نمودند. ایشان برای ایجاد آرامش و تسکین پیامبر (ص) از روشهای گوناگون بهره می‌گرفتند، که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. دعوت پیامبر (ص) به آرامش با زدودن غم و اندوه

اندوه زدایی از قلب و چهره پرفروغ حضرت محمد (ص)، آرامش بخشیدن به دل رنجیده و نگران و پر دغدغه ایشان، یکی از ویژگیهای بارز شخصیتی حضرت خدیجه (س) است. در حقیقت خداوند متعال این بانوی بزرگوار را وسیله ای قرار داد تا پیامبر (ص) در انجام این کار بزرگ و دریافت پیام خداوند و بیان درست زبانی و عملی آن به عصرها و نسلها در برابر آن همه خودکامگی، کارشکنی، شیطنت و گمراهی تاب بیاورد و با از از بین رفتن غم و اندوه، امید تازه ای پیدا کند تا پیمودن مسیر برایش هموار و آسان شود.

در منابع معتبر به صورت فراوان نقل شده است که: «... و کانت خدیجه (علیها السلام) وزیرة صدق علی الإسلام و کان رسول الله (ص) یسکن إلیها؛ (طبرسی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۳۱) (مجلسی، همان، ج ۱۶، ص ۱۱) (بیهقی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۵۲) (ابن هشام حمیری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۱۶) و حضرت خدیجه (علیها السلام) وزیر راستین اسلام (مشاور خردمند) بود و رسول خدا (ص) با مهر و صفای او آرامش می‌یافت»

در میان همه فشارها، سختی‌ها، استهزاء و آزارها و... حضرت خدیجه (س) نه تنها به عنوان یک همسر، بلکه به عنوان کسی که می‌توانست رسول خدا (ص) را بفهمد، همراه و همدل ایشان بود و استقامت می‌نمود. به راستی فقط او می‌توانست پیامبر (ص) را با آن روح بزرگ دریابد و رسول خدا (ص) در هیچ جا آرام نمی‌گرفت، مگر در کنار خدیجه طاهره (ع) (مجلسی، همان) و این آرامش، نه جسمانی و زمینی، بلکه روحانی، آسمانی و الهی بود. (ابن جوزی، ۱۴۲۶، ص ۲۷۳)

محمد علی قطب در کتاب «خدیجه بنت خویلد» می‌نویسد: «و کانت امّ المومنین تهوّن علیه کلّ عسیر، و تخفف عن قلبه و بدنه و طأه الأذى الكثير. کانت کلماتها کالبلسم لجراحات نفسه، و بسمتها الهادئة الحنون اشعاعاً ینعکس علی صفحه قلبه، فإذا بالعنا یزول، و إذا بالعزیمه تشدد و تقوی...» (محمد علی قطب، بی تا، ص ۸۱)؛ امّ المومنین حضرت خدیجه (س)، همواره می‌کوشید تا هر دشواری‌یی را بر پیامبر (ص) آسان کرده و فشارهای آزار دهنده

را از قلب و بدن او بسیار تخفیف دهد! کلمات او مانند مرهمی برای جراحات نفس آن حضرت بود و تبسم آرام همراه با مهربانی اش، شعاع‌هایی بود که بر صفحه قلب پیامبر(ص) منعکس می‌شد و ناگهان، غصه زایل و عزم او شدت و قوت می‌گرفت...!»

۲. دعوت پیامبر(ص) به آرامش با صبر و پایداری

در اوایل بعثت، مشرکان و مخالفان پیامبر(ص) فشارهای زیادی را به زندگی پیامبر اسلام(ص) و مسلمانان وارد نمودند. در این وضعیت دشوار، حضرت خدیجه(س) در کنار پیامبر(ص) همواره صبوری و همراهی می‌نمود و ایشان را نیز به صبر و مقاومت فرا می‌خواند. بنابراین با قطعیت می‌توان گفت: یکی از عوامل پیشرفت اسلام، صبر و استقامت رسول خدا(ص) و یاران باوفایی چون: حضرت خدیجه(س) و امام علی(ع) بود.

دکتر بنت الشاطی از بانوان نویسنده مصری معتقد است که: «در سالهای نخستین مظلومیت پیامبر(ص)، حضرت خدیجه(س) مانند یاری غمخوار و مبارز در کنار او قرار گرفت، مقاومت کرد و رنج و عذابی را که از «قریش» در راه رسالت پیامبر(ص) می‌رسید، بر او آسان می‌نمود» (بنت الشاطی، ۱۳۹۱، ص ۱۳)

ابن شهر آشوب نیز در این راستا می‌نویسد: «پیامبر اکرم(ص) در راه بیداری و آگاهی مردم، هر رویداد ناخوشایندی را که می‌دید؛ هر سخن تند و خشونت باری را که می‌شنید و هر بیداد و فشاری را که بر او وارد می‌شد و آن پیشوای بشر دوست را اندوهگین می‌ساخت؛ هنگام بازگشت به سرای حضرت خدیجه(س)، همه را با آن یار مهربان و آن مشاور خردمند در میان می‌نهاد و خدای توانا به وسیله آن بانو رنج‌ها و ناراحتی‌ها را از دل و جان پر معنویت پیامبرش می‌زدود! شگفت این جاست که حضرت خدیجه(س) همواره همتای زندگی خود را به پایداری و مقاومت فرا می‌خواند و با مهر و درایت وصف ناپذیری، دردها و رنج‌های اجتماعی او را بر طرف می‌ساخت و به یاری خدا، آرامش خاطر و انرژی و انگیزه بی‌تازه به او می‌بخشید» (ابن شهر آشوب، همان، ج ۱، ص ۲۵۷)

و نیز نقل می‌شود که: «حضرت خدیجه(س) از درد و رنج‌هایی که پیامبر(ص) در راه مبارزه متحمل می‌شد؛ استقبال می‌کرد و در امواج این مجاهده و پیکار، دوشادوش با او در کمال فعالیت، شکیبایی، قاطعیت و خداجویی غوطه ور می‌گشت، بی آنکه سست شود یا هراسی به دل راه دهد! بلکه از روی پل‌های غم و اندوه و حوادث سنگین می‌گذشت، آن چنان که نظیر این، جز از سازندگان تاریخ سابقه نداشته است! او با سینه‌ایی باز و گشاده و قامت شعله ور از ایمان، خود از طوفان حوادث استقبال می‌کرد، بی آنکه احساسی از بازتابی ویرانگر و یا اضطرابی چون صاعقه داشته باشد» (ابوعلم، بی تا، ص ۹۸)

پیامبر اسلام (ص) هر چیز مکروهی را که می‌دید و می‌شنید و هر ناروایی را که بر او وارد می‌گردید و محزون و متأثرش می‌ساخت با حضرت خدیجه (س) در میان می‌گذاشت و خداوند به وسیله آن حضرت، آن مکروه و ناروا را فرج و گشایش عنایت می‌فرمود، این بانوی بزرگ اسلام همواره او را به ثبات و مقاومت فرا می‌خواند و با درایت و عطف خود، دردها و رنج‌ها و آلام پیامبر (ص) را تسکین می‌داد. (ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۸۲)

حضرت خدیجه (س) با وجودی که قبل از ازدواج با رسول خدا (ص) از امکانات مادی فراوانی برخوردار بود و زندگی نسبتاً آرام و بی‌دغدغه‌ای داشت! در طول زندگی مشترک با آن حضرت، انواع رنج‌ها و محرومیت‌ها را پذیرا شد و با مشاهده آزار و اذیت‌هایی که همسر محبوبش از طرف مشرکان متحمل می‌شد، هرگز صبر و مقاومت خود را از دست نداد و پیوسته در سایه ایمان و اعتقاد به حقانیت دین پیامبر (ص) و در راستای کسب رضای پروردگار به صبوری مبادرت می‌ورزید و رسول خدا (ص) را نیز به مقاومت دعوت می‌کرد؛ زیرا پیامبر (ص) را به خوبی می‌شناخت و رسالت او را به روشنی فهمیده و آن را با تمام جانش پذیرفته بود، بنابراین با همه توان خود، در راه تثبیت و گسترش آن، ایستادگی کرد. به راستی که کمتر همسری می‌تواند این چنین حساس، فهمیده، با کمال و عمیق، عالم و واقع بین باشد.

۳. دعوت به آرامش با پشتیبانی مالی و جانی

با نگاهی به تاریخ مشخص می‌شود که ثروت، امکانات و حمایت‌های گسترده حضرت خدیجه (س)، نقش مهمی در پیشرفت و توسعه اسلام داشته است. ایشان با ایثار، عطف و مهربانی بی‌نظیر خود، حامی رسول خدا (ص) بود و با انفاق مال خویش در راه استحکام و تحکیم اسلام، موانع و مشکلات را از راه مسلمانان کنار زد. بنابراین با حمایت‌های مالی و جانی خود در زمینه رفع مشکلات، آرامش روحی را به رسول خدا (ص) و یارانش هدیه کرد.

عبدالعزیز شناوی از علمای اهل سنت درباره ام المومنین، حضرت خدیجه (س) می‌نویسد: «کانت الطاهره من نعم الله عزوجل الجلیله علی رسول الله (ص) بقیة معه خمساً و عشرين سنه تحن علیه ساعه قلقه و تؤازره فی اخرج اوقاته و تعینه علی ابلاغ رسالته، و تشارکه فی مغارم الجهاد المرّ و تواسیه بنفسها و مالها...» (شناوی، بی تا، ص ۹۵)؛ حضرت خدیجه طاهره (س)، از نعمتهای با ارزش خداوند متعال بر رسول خدا (ص) بود و مدت بیست و پنج سال با آن حضرت زندگی کرد. در ساعات گرفتاری، با او مهربانی می‌نمود؛ در سخت ترین اوقاتش یاریش کرد؛ در ابلاغ رسالت، کمکش می‌نمود؛ در جنگ‌های تلخ خسارت بارش، با او شرکت کرده و با جان و مال، او را پشتیبانی می‌نمود...»

علامه سید شرف الدین در این زمینه می‌نویسد: «او مدت بیست و پنج سال با پیامبر (ص) زندگی کرد، بدون آنکه زن دیگری در زندگی او شریک شود و اگر در حیات باقی می‌ماند، پیامبر (ص) باز هم شریک دیگری بر نمی‌گزید. او در تمام طول زندگانی زناشویی، شریک درد و رنج پیامبر (ص) بود؛ زیرا با مال خود به او نیرو می‌بخشید و با گفتار و کردار از او دفاع می‌نمود و به او در مقابل عذاب و درد کافران که در راه رسالت و ادای آن نصیبش می‌کردند، تسلی می‌داد» (دخیل، ۱۳۶۳، ص ۳۱) و همچنین معتقد است که: «حضرت خدیجه (س) در تمام طول زندگانی زناشویی، شریک درد و رنج پیامبر (ص) بود؛ زیرا با مال خود به او نیرو می‌بخشید و با گفتار و کردار نیز از او دفاع می‌نمود و به او آنچه را از عذاب و درد، کافران در راه رسالت نصیبش می‌کردند، تسلی می‌داد» (شرف الدین، ۱۳۸۵، ص ۲۰)

حضرت خدیجه (س) در سالهای ابتدایی بعثت - زمانی که مشرکان مکه بر محاصره اقتصادی و سیاسی فرزندان بنی‌هاشم هم پیمان شدند و آنان را در شعب ابی طالب محصور کردند و مانع از ارتباط آنها با دیگر قبایل عرب شدند - با فرستادن نمایندگانی از طرف خود به نزد ابوجهل و همفکرانش، سعی کرد آنها را متقاعد کند که مانع از ارسال کمک‌های مالی و غذایی به شعب نشوند، اما آنها قبول نکردند و همچنان بر خواسته خود اصرار ورزیدند. بنابراین ایشان تصمیم گرفت به کمک فرزند برادرش به نام (حکیم بن حزام) برای افراد محصور شده در شعب آذوقه تهیه کند و بفرستد. (ابن هشام حمیری، همان، ج ۱، ص ۳۷۹) یعقوبی نیز همین ماجرا را در تاریخ خودش نقل کرده است: حضرت خدیجه (س) در تمام مدت دوران بعثت، مخصوصاً دوران سه ساله محصور شدن قبیله بنی‌هاشم در شعب ابی طالب، اموالش را در راه حفظ و بقای اسلام انفاق کرد (یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۳۱) رازی نیز نقل می‌کند که: حضرت خدیجه (س) در همه سختی‌ها و رنج‌ها همراه پیامبر (ص) بود، این همراهی و همدلی همواره مایه آرامش پیامبر (ص) در برابر آزار مشرکان بود (رازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۱۷۱)

بنابراین ثروت و حمایت مالی حضرت خدیجه (س) مهمترین عامل در پیشرفت اسلام بوده است؛ زیرا در روایات نیز نقل شده است که: «ما قام و لا استقام الا بسیف علی (ع) و مال خدیجه (ع)» (مامقانی، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۷۷) دین اسلام، برپا و مقاوم نشد، مگر به دو چیز: اموال حضرت خدیجه (س) و شمشیر امیرمؤمنان علی (ع) و همچنین نقل می‌کند که: «بذلت أموالها فی رواج الاسلام و تحمّلت فی سبیل الله ما تحمّلت و هی فوق مرتبه التقوی و الوثاقه (همان)؛ حضرت خدیجه (س) اموالش را در راه رواج و پیشبرد اسلام بخشید و در راه خداوند، همه سختی‌ها را تحمل کرد و از نظر تقوا و وثاقت، در مرتبه بالاتر از تقوا و وثاقت بوده است»

محمد علی دخیل در کتابش به نقل از کتانی نقل می‌کند که: «حضرت خدیجه (س)، ثروت هنگفت خود را با سخاوتی وصف ناپذیر به حضرت محمد (ص) بخشید، در حالی که هرگز این احساس را نداشت که چیزی می‌بخشد، بلکه این احساس را داشت که از وجود گرانبمایه او، هدایت و سعادت و رستگاری دو جهان را که بر همه گنجینه‌های گیتی برتری دارد به دست می‌آورد» (دخیل، همان، ص ۳۲)

بنابراین حضرت خدیجه (س)، به عنوان حامی بزرگ اسلام و قرآن و همسر پیامبر (ص) حاضر می‌شود، که همه ثروت و جان و مال خودش را در راه اهداف مقدس رسول خدا فدا کند و از همه هستی اش در این راستا بگذرد؛ این عملکرد او بیانگر آن است که آن حضرت، از اعتقاد بسیار محکم و عمیقی نسبت به خداوند و پیامبر (ص) برخوردار بوده است، بنابراین ثروت هنگفت، آبرو و اعتبار بسیار و آسایش و امنیت خود را پای دین خدا گذاشت و بدون شک این همه فداکاری، جز در پرتو اخلاص و یقین والا امکان پذیر نخواهد بود.

۴. دعوت به آرامش به کمک عوامل غیبی

در سال چهارم و آغاز سال پنجم بعثت که پیامبر (ص) مامور به دعوت به دین اسلام به شکل آشکارا شده بود، حوادث تلخ و شرایط ناگواری از ناحیه مشرکان برای پیامبر (ص) به وقوع پیوست. حضرت خدیجه (س) در این زمان خود را شریک درد و رنج ایشان می‌دانست و برای اینکه از غم و اندوه آن حضرت بکاهد از طریق عوامل غیبی تسکین می‌یافت و این آرامش را نیز به ایشان انتقال می‌داد.

نقل شده است زمانی که مشرکان نزد رسول خدا (ص) آمدند و از ایشان خواستند برای اثبات پیامبری و صداقت خودش، ماه را برای آنها دو پاره کند، با وجودی که آنها دو پاره شدن ماه را دیدند، باز بسیاری از آنان طبق آیات ابتدایی سوره قمر این ماجرا را سحر خواندند. پیامبر (ص) نیز از گفتار آنها آزرده خاطر شد و شبانه به خانه خود بازگشت، در این هنگام با استقبال گرم حضرت خدیجه (س) روبه رو شد! ایشان در حالی که شادمان بود، عرض کرد: «ای رسول خدا! من بر فراز خانه معجزه شما را نگریستم و شگفت انگیزتر اینکه کودکی که در رَحِم من است، به من - که در اضطراب بودم، اطمینان خاطر داد- گفت: «یا أمّاه! لا تخشی علیّی، و مَعَهُ رَبُّ الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ (محلّاتی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۶۵)؛ مادرم! در مورد پدرم، خوف و نگرانی نداشته باش؛ زیرا پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها با اوست»

۵. دعوت به آرامش با تصدیق و تأیید پیامبر (ص)

یکی از مهمترین اقدامات حضرت خدیجه (س) در زمینه تسلی دادن به پیامبر (ص) در مقابل اذیت و آزار مخالفان، تصدیق و تأیید ایشان در همه زمینه‌ها بوده است. بدون تردید این کار بانوی بزرگ اسلام دارای آثار مثبت زیادی در جهت پیشبرد اهداف مقدس پیامبر (ص) و ناکامی دشمنان و ایجاد سستی و تزلزل در عقاید خرافی آنان داشته است. روایاتی که در ذیل به عنوان شاهد ذکر می‌شود دلالت بر اهمیت این موضوع در آن شرایط سخت و دشوار دارد؛ زیرا خدیجه (س) زمانی رسول خدا را تأیید و تصدیق کرد، که بزرگان قریش و دیگران او را دروغگو یا مجنون می‌پنداشتند.

روشن ترین دلیل برای ارائه این مطلب این است که پیامبر (ص) بارها فرمودند: «خدیجه و این مثل خدیجه؟ صدقنتی حین کذبنی الناس و وازرتنی علی دین الله، و اعانتنی علیها... (مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۱۳۰)؛ از خدیجه (س) سخن گفتید؟ و کجا مانند آن بانوی خرد و پروا، ایمان و اخلاص و بندگی و آزادگی می‌توان یافت؟! او بود که در آن شرایط بحرانی - که مردم مرا در دعوت آزادی خواهانه ام دروغگو می‌انگاشتند - با شهامت، ایمان و راستی و درستی، مرا گواهی کرد؛ در راه دین خدا و پیشرفت، آن بار گران وزارت و یاری و همراهی مرا با درایت و توانمندی به دوش کشید و با دارایی هنگفت خویش، مرا در راه هدف‌های بلندمدت مدد رساند...»

ابن عبدالبر در این باره می‌نویسد: «واتفقوا أنّ خدیجه اول من آمن بالله و رسوله و صدقه فیما جاء به ثم علی بعدها (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۰۹۲)؛ علمای اسلام اتفاق نظر دارند که حضرت خدیجه (س) نخستین کسی بود که به خدا و رسول او ایمان آورد و پیامبر اکرم (ص) را تصدیق کرد و بعد از او علی (ع) بود»

ابن حجر عسقلانی درباره حضرت خدیجه (س) و حمایت بی دریغ ایشان از پیامبر اکرم (ص) چه قبل از بعثت و چه بعد از بعثت می‌گوید: «و من مزایا خدیجه (ع) أنها مازالت تعظم النبی (ص) و تصدق حدیثه قبل البعثه و بعدها (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۰۲)؛ از مزایای حضرت خدیجه (س)، پیوسته بزرگداشتن نبی اکرم (ص) و تصدیق ایشان، قبل و بعد بعثت بود» و نیز نقل می‌کند که: «خدیجه زوجه النبی (ع) اول من صدقت ببعثته مطلقاً؛ (همان، ص ۹۹)؛ حضرت خدیجه (ع) اولین کسی بود که بعثت پیامبر اکرم (ص) را به طور مطلق تصدیق کرد»

ابن هشام در این زمینه می‌نویسد: «حضرت خدیجه (س) دختر خویلد به پیامبر (ص) ایمان آورد و آنچه از طرف خداوند به پیامبر (ص) نازل شده بود، تصدیق کرد، پس پروردگار توسط او بارانده را از پیامبرش سبک کرد و

پیامبر(ص) جوابی ناخوشایند و تکذیبی از برای رسالتش که او را غمگین کند نشنید، مگر اینکه خداوند آن را توسط حضرت خدیجه(س) برطرف ساخت» (ابن هشام حمیری، همان، ج ۱، ص ۲۵۷) همچنین نقل می‌کند: «آمنت به خدیجه(س) و صدقت بما جاء من الله و وازرته علی امره و کانت اول من آمن بالله و صدق بما جاء منه (همان، ج ۱، ص ۲۴۱)؛ خدیجه(س) به او ایمان آورد و آنچه را از طرف خدا آورده بود، تصدیق کرد، او را در کارش یاری داد و اولین کسی بود که به خدا و رسول و درستی آنچه آورده بود، ایمان آورد» و نیز در منابع متعددی نقل شده است که: «اول من آمن به و صدق قبل کل أحد (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۵۷) (ابن هشام حمیری، همان، ج ۱، ص ۳۸) (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۰۹)؛ اولین کسی که ایمان آورد و قبل از هر شخص تصدیقش کرد»

همه شواهد حاکی از این است که حضرت خدیجه(س) نخستین کسی بود که به خدا و پیامبرش و آنچه آورده بود، ایمان آورد و تصدیق کرد. تصدیق ایشان در شرایطی که سران شرک او را تکذیب می‌کردند، بسیار با ارزش و موثر بود. لذا ایشان در راه اجرای برنامه آسمانی رسول خدا را یاری کرد و با همه وجود ایشان را در رساندن پیام خدا و ایجاد دگرگونی مطلوب در جامعه یاری و پشتیبانی کرد.

حضرت خدیجه(س) با انجام وظیفه خویش نسبت به پیامبر خدا(ص) و دین اسلام، انواع شکنجه، آزار، ترس و ناراحتی، رنج و محرومیت، فقر و گرفتاری، تبعید و فشار و هر غم و مشکلی را به جان پذیرفت و توانمند و پرصلابت، افتخار آفرید و تاریخ ساخت و به عنوان چهره درخشان یک زن آزاده و آگاه و درست اندیش و عزت آفرین، راه جاودانگی و ماندگاری را گام سپرد. ایشان به گونه ای اندیشید و سخن گفت و عمل کرد که خدایش از او خشنود باشد و پیش از فرا رسیدن زندگی و مرگ، بشارت بهشت خدا را از زبان پیامبرش دریافت دارد.

نتیجه گیری

حضرت خدیجه(س) با مهر و ایمانی استوار، بدون آنکه اندک تردیدی به دل راه دهد یا ذره ای از باورش نسبت به تکریم همیشگی خدا و پیامبر(ص) بکاهد، دعوت دین خدا را از ابتدا پذیرفت. ایشان نه تنها از عمق جان رسالت پیامبرش را تصدیق کرد، بلکه پیامبر(ص) را در برابر آزار مشرکان و بدخواهان یاری کرد. بنابراین برای ترویج فرهنگ اسلامی و دفاع از قرآن در سخت ترین اوقات و در زمان ابلاغ رسالتش در کنار ایشان مانند یاری غمخوار و مبارز قرار گرفت و با تمام وجود جاهای خالی زندگی پیامبر(ص) را پر کرد و در کمال

شکیبایی و قاطعیت مایه امید و آرامش و تسکین رسول خدا(ص) در مقابل مخالفان و آزار دشمنان شد. از این رو سیره زندگی ایشان در حمایت از اسلام و قرآن یک الگوی کامل برای همه بانوان سرزمین اسلامی است.

منابع

۱. ابن اثیر جزری، ابی الحسن عزالدین علی بن ابی الکریم محمد بن عبدالکریم شیبانی، (۱۴۱۵)، **أسد الغابه فی معرفه الصحابه**، تحقیق: علی محمد معوض، عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب علمیه.
۲. ابن اثیر جزری، ابی الحسن علی بن محمد شیبانی موصلی، (۱۴۰۸)، **الکامل فی التاریخ**، محقق: علی شیری، بیروت: دارالاحیاء تراث عربی.
۳. ابن جوزی حنفی، یوسف بن قزاوغلی بن عبدالله بغدادی، (۱۴۲۶)، **تذکره الخواص الأمه فی خصائص الائمہ (ع)**، محقق: خالد عبدالغنی محفوظ، بیروت: دارالکتب علمیه.
۴. ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی، (۱۴۱۵)، **الإصابه فی تمیز الصحابه**، تحقیق: محمد علی معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب علمیه.
۵. ابن شهر آشوب، مشیر الدین ابو عبدالله محمد بن علی، (۱۴۱۲)، **المناقب آل أبی طالب**، بیروت: دارالاضواء.
۶. ابن عبدالبر، ابی عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن محمد، (۱۴۱۵)، **الاستیعاب فی معرفه الاصحاب**، محقق: علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب علمیه.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.
۸. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، (۱۳۸۳)، **سیره النبویه (ص)**، تحقیق: محی الدین عبدالحمید، مصر: مکتبه محمد علی صبیح و اولاده.
۹. بستانی، فواد افرام، (۱۳۷۶)، **فرهنگ ابجدی الفبایی به فارسی**، مترجم: مهیار، رضا، تهران: اسلامی.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (۱۴۱۷)، **انساب الاشراف**، محقق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
۱۱. بنت الشاطی، عائشه، (۱۳۹۱)، **بطله کربلاء**، مترجم: حبیب چایچیان، مهدی آیت الله زاده نائینی، بی جا.
۱۲. بیهقی، ابی بکر احمد بن حسین، (۱۴۰۵)، **دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه**، محقق: عبدالمعطی أمين قلجی، بیروت: دارالکتب علمیه.
۱۳. توفیق، ابو علم، بی تا، **مثلن الاعلی خدیجه بنت خویلد (س)**، بی جا.

۱۴. جوهری فارابی، ابونصر اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۴)، تاج اللغه وصحاح العربیه، محقق: عطار، عبدالغفور، بیروت: دارالعلم ملایین.
۱۵. حسینی فیروزآبادی، مرتضی، (۱۳۹۲)، فضائل الخمسه من الصحاح الستة، تهران: اسلامیه.
۱۶. خسروی حسینی، غلامرضا، (۱۳۸۳)، ترجمه مفردات الفاظ قرآن راغب، تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۷. دُخیل، محمدعلی، (۱۳۶۳)، خدیجه (س)، ترجمه: فیروز حریرچی، تهران: نشر امیر کبیر.
۱۸. ذهبی، ابی عبدالله شمس الدین محمد بن احمد قایماز، (۱۴۱۳)، سیر اعلام النبلاء، محقق: شعیب أونووط، چاپ دهم، بیروت: موسسه الرساله.
۱۹. رازی، ابوالفتوح، (۱۳۷۱)، روض الجنان، به کوشش: محمدجعفر یاحقی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۷)، مفردات الفاظ قرآن کریم، قم: انتشارات نوید اسلام.
۲۱. شرف الدین، عبدالحسین، (۱۳۸۵)، عقيله الوحی (الصديقه الصغرى الحوراء الكبرى زينب)، محقق: محمدرضا مامقانی، بی‌جا، انتشارات دلیل ما.
۲۲. شناوی، عبدالعزیز، (بی‌تا)، سیدات نساء اهل الجنة، قاهره: مکتبه التراث الاسلامی.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۹)، إعلام الوری بأعلام الهدی، محقق: علی‌اکبر غفاری، بیروت: دارالمعرفه.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دارالمعرفه.
۲۵. طریحی، فخرالدین (حسینی اشکوری، احمد)، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مکتب المرتضویه.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹)، العین، قم: دارالهجره.
۲۷. فیومی، احمد بن محمد بن علی، (۱۴۱۴)، مصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر، قم: دارالهجره.
۲۸. قرشی بنابی، علی‌اکبر، (۱۳۰۷)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب اسلامیه.
۲۹. قطب، محمدعلی، (بی‌تا)، خدیجه بنت خویلد (س)، بیروت: دارالقلم.
۳۰. مامقانی، عبدالله، (۱۳۵۲)، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف: مکتبه المرتضویه.
۳۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳)، بحار الانوار لدرر الاخبار الاثمه الاطهار، چاپ دوم، بیروت: الوفاء.
۳۲. محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۸۵)، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، تهران: دارالکتب اسلامیه.
۳۳. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز کتاب للترجمه و النشر.

۳۴. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر کاشف، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه).

۳۵. یعقوبی، احمد بن یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح، (۲۸۴)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.